

## سیاست رژیم اسلامی از گسترش ماده مخدر شیشه در میان جوانان

سیروان پرتو نوری

درباره ماده مخدر صنعتی شیشه و تخریب های خطرناک آن در تلویزیون، رادیو، از زبان عامه مردم و... بسیار شنیده ایم. اغلب شنیده ها و مشاهده ها هم شبیه یکدیگر میباشند. بطور مثال میگویند اگر شیشه مصرف کنی بعد از چند ماه بر روان و مغز انسان تاثیر میگذارد به شیوه ای که انسان یا دچار توهم می شود یا دیوانه خواهد شد. یا میگویند بعد از چند سال کرم بدن انسان را میخورد و زره زره بدن را از بین میبرد. یا میگویند اعتیاد به شیشه از هر ماده مخدر دیگری بدتر و خطرناک تر است و خیلی توصیفات دیگر از این دست. ولی آیا تمام واقعیت همین است؟

در اینجا دوست دارم تاریخچه ای مختصر از پیدایش این ماده مخدر را برای شما ذکر کنم. متآمتامین یا شیشه اولین بار در سال ۱۹۱۹ در ژاپن تولید شد. شیشه از مشتقات داروی معروف آمتامین بوده و در آغاز یک داروی مجاز بشمار میامد. هر دو تای این داروها ابتدا در داروهای ضد احتقان بینی و نیز اینهالرها برونشپال مورد استفاده قرار گرفتند، (مثل آفرین و پسودافرین پیش سازهای آمتامین ها که در حال حاضر هم در اکثر داروهای ضد سرماخوردگی موجود میباشند). متآمتامین در درمان چاقی هم مورد استفاده قرار میگرفت. این دارو اولین بار در سال ۱۹۳۰ وارد آمریکا شد. در مورد ایران آمار صحیحی در دست نیست اما حدوداً ۱۰ سال پیش برای اولین بار با این ماده مخدر در ایران برخورد کردیم.

در دهه ۱۹۵۰، قرصهای کاملاً قانونی مت مورد استفاده قرار میگرفت. در این سالها مصرف غیر پزشکی مت بیش از آنکه تفریحی باشد به منظور خاصی و جهت افزودن بر کارائی افرادی مثل دانشجویان، رانندگان کامیون و ورزشکاران استفاده میشد. البته مصرف تفریحی و حتی تدخین مت بطور محدود وجود داشت. در دهه ۱۹۶۰ با پیدایش نوع تزریقی مت، استفاده از آن بطور شدیدی افزایش یافت. در کالیفرنیا خانه های بسیاری مبدل به آزمایشگاههای مخفی جهت تولید مت شدند. در سال ۱۹۷۰، قانون ممنوعیت تولید مت تزریقی وضع شد و توانست تا حد زیادی آمار مصرف را پایین بیاورد.

نوع قابل تدخین یا متآمتامین هیدروکلراید (آیس) اولین بار در سال ۱۹۸۰ در کره جنوبی و تایوان ساخته شد. البته مصرف تدخینی مت قبلاً هم وجود داشته است (در سال ۱۹۶۸ در هوائی و نیز اواخر دهه ۱۹۵۰ در مناطقی از آمریکا گزارش شده است) ولی حرارت زیادی جهت تبخیر مت لازم است که با کریستالیزه کردن آن و ساخت آیس این دما کاهش یافته است.

اجازه دهید به شیوه دیگری به قضیه بنگریم، جوانی را در نظر بگیرید که برای اولین بار در یک میهمانی شبانه یا هر مکان دیگری شیشه مصرف میکند. احساسی که او پیدا میکند با آنچه گفته شد بسیار متفاوت است، بسیار پر انرژی میشود، سطح هوشیاری بسیار بالایی پیدا میکند، میتواند تا صبح بیدار بماند بدون اینکه کوچکترین احساسی از خستگی داشته باشد، تمرکز بسیار بالایی پیدا میکند، میتواند ساعتها مطالعه کند بدون اینکه کوچکترین پاراگرافی را فراموش کند و... و این اثرات میتواند برای او حتی پس از بارها مصرف تکرار شود، حال به نظر شما چگونه میتوان به او فهماند که تمام این مسائل کاذب و یا شاید زود گذر است و یا اینکه عوارض حاصل از مصرف شیشه یا همان اثرات ثانویه در دراز مدت آنچنان شدید میشود که تمام این به ظاهر فوائد را در خود محو خواهد کرد.

من گمان میکنم باید با او صادق بود، جوان امروز با هوش است و هیچ مطلبی را تا صحت و سقم آن به او ثابت نشود، نمی پذیرد. ممکن است در ظاهر شبهه تائیدی برای دلخوشی به ما نشان دهد اما در درون او جریان به گونه ای دیگر است یا ما را نادان تصور میکند و یا فکر میکند ما او را نادان تصور کرده ایم و در هر دو صورت یک نتیجه حاصل خواهد شد، او دیگر هرگز به ما اعتماد نخواهد کرد.

در اینجا سعی کرده ام با دید واقع بینانه تری به شیشه بپردازیم، در ایران غالباً شیشه را جزئی از مواد روان گردان به حساب می آورند و اثرات آن را با موادی از قبیل Isd و دیگر توهم زا ها مقایسه میکنند در صورتی که این مطلب بطور مطلق صحیح نمی باشد و در فاز اولیه شیشه تنها یک محرک بسیار قوی است که اثرات آن شامل رفع خستگی، احساس شادابی و سرخوشی و موارد ذکر شده قبل و بسیاری موارد دیگر می باشد که در مراحل بعدی مصرف صرف تبدیل به یک توهم زای بسیار شدید میشود، آنچنان شدید که وصف آن ناممکن به نظر میرسد.

اغلب مصرف کنندگان این ماده در ماه های اول مصرف اثرات توهم زایی بسیار کمی را تجربه کرده اند و فاز غالب آنها لذت بردن بسیار زیاد، تجربه داشتن سطح بسیار بالای انرژی، خلاقیت فراوان ذهنی و... بوده است که این فرایندها تا مدت محدودی هم برایشان قابل کنترل بوده (البته تا زمانی که عنان اختیار فرد کاملاً در دست شیشه قرار نگرفته) ولی پس از گذشت مدت زمانی از مصرف تمامی این مسائل از کنترل فرد

مصرف کننده خارج میشود تا جایی که نه تنها کنترل این مسائل بلکه کنترل کوچکترین مسائل حیاتی هم از اختیار او خارج میشوند و فرد مصرف کننده احساس میکند که دیگر بدون مصرف شیشه قادر به انجام هیچ فعالیتی نیست. یا بهتر بگویم انجام هیچ فعالیتی بدون مصرف شیشه برای او لذت بخش نیست. در این مرحله است که فشارهای روانی بسیار شدیدی به شخص وارد میشود، از این پس دیگر سپری کردن هر ثانیه ای از زندگی بدون مصرف شیشه برای او کابوسی بزرگ خواهد بود. بدون مصرف شیشه حتی نمیخواهد حرف بزند، راه برود، بخوابد و حتی شاید نمیخواهد زنده بماند. پس ناچار مصرف میکند و هر چه زمان میگذرد مصونیت بدن او در برابر شیشه بیشتر میشود و مجبور به مصرف بیشتر میشود و هر چه مصرف بیشتر میشود اثرات ثانویه نیز واضح تر خود را نمایان میسازند. فرد فوق العاده بد بین میشود، سوء ظن جنون آمیز به سراغش می آید و از کاه کوه می سازد و به راحتی از کوره به در می رود و در تمام مدت احساس می کند که از سوی منبعی ناشناس کنترل می شود و این امر تمامی رفتارهایش را تحت تاثیر قرار میدهد. کم کم به موجودی کاملاً دو قطبی تبدیل می شود، لحظه ای بسیار مهربان، منطقی و آرام است و آنی دیگر خشونت به معنای واقعی در او موج میزند. در اغلب مسائل خود را صاحب نظر میدانند، و به اظهار نظر می پردازد، آن هم اظهار نظر های قطعی. ممکن است صبح در مورد مسئله ای نظری کاملاً مثبت داشته باشد و آن را در حد یقین پذیرفته باشد ولی بعد از ظهر همان روز با شدت هر چه بیشتر آن را رد کند و نظری کاملاً متناقض ارائه دهد و این دسته از تجربه ها فراوان خواهد بود که بسیاری از آنها یا قابل بیان نیستند و یا از حوصله بحث خارج اند.

همانگونه که خود میدانید امروزه شیشه در میان تمام مخدرهای دیگر از اهمیت و مصرف زیادی بخصوص در میان نسل جوان امروزی برخوردار است به شیوه ای که خود کسانی که به این ماده خطرناک اعتیاد پیدا کرده اند آن را بلای ویرانگر قرن وصف میکنند. در مصاحبه و گفتگو با چند تن از کسانی که قبلاً به این ماده مخدر اعتیاد داشتند، متوجه شدم که دلیل گسترش مصرف این ماده در جامعه ایران و در میان جوانان از چند ویژگی خاصی برخوردار است تا توجیهی شود برای روی آوری هر چه بیشتر معتادین به این ماده خطرناک. اولین عاملی که باعث میشود افراد بیشتری به این ماده روی آورند نحوه مصرف آن است. این ماده مخدر در ظرفی شیشه ای مانند با حرارت گاز و هوا مصرف میشود و هیچ بویی از خود باقی نمیگذارد. حتی در زمان مصرف هم هیچ گونه بویی از خود ترشح نمیکند و فرد مصرف کننده می تواند در هر جایی که خلوت باشد حتی در زیر پتوی خود آن را مصرف کند. یکی دیگر از دلایل گسترش این ماده تاثیر بسزا و مخرب این ماده بر روان و اعصاب انسان است و در فعالیت جسمی انسان را کاملاً اختلال ایجاد میکند و فرد معتاد به این ماده در مدت یک سال دچار کرم زدگی شده و کرم های خیلی کوچک گوشت فرد مبتلا به این ماده را می خورند. شنیده ام حتی فرد مبتلا به این ماده موقعی که کسی خواسته به شوخی گوش آن را بگیرد گوش راست این فرد مبتلا به شیشه از بدن وی جدا شده و در دست طرف مقابل قرار گرفته. تمام بدن انسان قطعه قطعه میشود در حالی که حتی در مرده شور خانه ها با تابلویی بزرگ نوشته اند از شستن فرد مبتلا به شیشه و کراک معذوریم.

آزمایش خون اعتیاد به شیشه را نشان نمی دهد و این یکی دیگر از عوامل تاثیر گذار در روند گسترش این ماده است. اگر توجه کرده باشید تمام مواد مخدر ها در خون تاثیر بسزایی دارند و از طریق خون به تمام اعضای بدن سرایت میکنند و از طریق آزمایش خون هم می توان فهمید که شخص به چه ماده ای اعتیاد دارد، اما این ماده یعنی شیشه از طریق آزمایش خون مشخص نمیشود و مستقیم در روان و مغز انسان تاثیر میگذارد. در گفتگو با چند تن از مبتلایان به این ماده متوجه شدم که حتی کسانی که به مواد دیگر معتادند برای پنهان کردن اعتیاد خود هنگام آزمایش خون، بعد از مصرف مواد مخدر اصلی شان یکی دو نفس شیشه مصرف میکنند تا آزمایش خون مثبت نشان ندهند. این نحوه استفاده از شیشه بیشتر در میان رانندگان ماشین های سنگین، جوانان، دانشجویان و کارمندان رواج دارد.

شیشه در اوایل که تازه به بازار ایران آمده بود یک صوت آن را به شصت هزار تومان میدادند به شیوه ای که کمتر کسانی میتوانستند آن را تهیه کنند و به آن اعتیاد داشته باشند. رژیم جمهوری اسلامی که عواقب و تاثیرات مخرب بسزای آن را بر روی جوانان مشاهده کرد، روز به روز قیمت آن را کاهش داد تا حدی که امروزه به راحتی در کوچه و پس کوچه و خیابانهای هر شهری با یک صوت چهار هزار تومان به دست می آید.

شیشه در لابراتورهای پزشکی و درمانی ساخته میشود، اما امروزه هر چند نفر کسانی که در خرید و فروش مواد مخدر هستند در منازل خود لابراتورهای دست ساز درست میکنند و این ماده مخدر را به شیوه بسیار مخرب تر از اصلی آن نیز تولید میکنند و روانه بازار میکنند تا جوانان زیادتری را دامن گیر این بلای خانمان

سوز کنند. به شیوه ای که جانشین فرماندهی نیروی انتظامی کردستان طی چند ماه اخیر ابلاغ کرد، که یک کارگاه تولید مخدر شیشه با ظرفیت تولید روزانه نیم کیلو در شهر سنندج کشف شده است. همه می دانند که امروز ایران از نقطه نظر تعداد معتادین مقام برتر را در جهان کسب کرده است. اعتیاد امروز به یک مشکل جدی و حاد اجتماعی تبدیل شده است و بسیاری از خانواده های کارگری با این بلای خانمان سوز رو برو هستند.

در اینجاست که باید گریبان این شیادان را محکم چسبید، چرا که مسببان اصلی و مستقیم رواج و گسترش اعتیاد در جامعه ایران خود سران رژیم اسلامی هستند. حال بدانیم چه عوامل و زمینه هایی باعث رشد فاجعه بار اعتیاد بخصوص ماده صنعتی شیشه در جامعه است؟

تحویل فقر، فلاکت، بیکاری و زندگی مردم را زیر شدیدترین فشارها قرار دادن، زمینه هر گونه ازدگی و پناه بردن به افیون و مخدر را فراهم می کند.

زمانی که کارگران هزار هزار روانه خیابان می شوند و میلیونها آدم گرسنه و جویای کار به دیگرشهرها هجوم می آورند، زمانی که گذران بی دغدغه حتی برای یک روز به معضل بزرگ میلیون ها بیکار و جوانان تحقیر شده و ناکام تبدیل می شود، مساعدترین شرایط برای رشد اعتیاد و از خود بیگانگی مهیا می شود. رژیمی که برای حفظ موجودیت خود و دفاع از منافع سرمایه داران فقر و بیکاری و در به دری و پایمال کردن هر روز کمترین حقوق اجتماعی انسانها را سر لوحه برنامه خود قرار داده است، خود مهمترین و اولین عامل رشد اعتیاد است.

حتی بیش از این، حقیقتاً خود رژیم اسلامی سر دسته قاچاقچیان مواد مخدر و تجارت انواع مواد مخدر است. مگر نه اینکه که خود این رژیم به ابتکار حزب سیاسی نظامی سپاه پاسدارانش طرح "طیران ابابیل" را در کردستان به اجرا گذاشتند تا شاید با به اعتیاد کشاندن جوانان کردستان آنها را از مبارزه و اعتراض دور کنند. مگر بارها نشنیده ایم که رهبران و سرشبهه های قاچاق و ترور و آدم کشی از سپاه پاسداران و سران رژیم اسلامی سر در آورده اند؟ چگونه است در این مملکت که مایحتاج روزانه مردم جامعه گران و گرانتز می شود، بعضی از مواد مخدر ها را می توان به قیمتی کمتر از سیگار به دست آورد.

برای رژیمی که زیاده از سه دهه است تجربه قاچاق اسلحه و معاملات پنهانی با مخوف ترین سازمانهای بین المللی قاچاق را دارد و بالا تا پایین آن آلوده به انواع جنایت و کثافتکاری هاست کاملاً طبیعی است که چه به دلیل منافع فردی مقاماتش و چه حتی برای نجات دولت ورشکسته اسلام، خود در راس تجارت پر سود مواد مخدر قرار بگیرد.

لازمه مبارزه واقعی با اعتیاد قبل از هر چیز تامین زندگی انسانها و به رسمیت شناختن حقوق مسلم انسانی آنهاست. و برای اینکار باید در قدم اول رژیم جلاخان و جنایتکاران، رژیمی که فقر و بی حقوقی بی سابقه ای را به مردم تحمیل کرده است به زیر کشید.

جواب کارگران به هیاهوی مبارزه با اعتیاد رژیم اسلامی در یک کلام اینست، در محاکمه و مجازات عاملان و مسببان گسترش اعتیاد قبل از همه باید سران و دست اندر کاران رژیم اسلامی را بر صندلی محکومیت نشانند. تمام دست اندرکاران و توزیع کنندگان مواد مخدر باید محاکمه و مجازات شوند. اما این محاکمه و مجازات نه توسط کلیت دستگاه قضایی که هیچ صلاحیتی و حقانیتی ندارد و در راس آن جنایتکارانی مثل خامنه ای و لاریجانی و روحانی قرار دارند و اندام و جوارح آن را عموماً مشتی از همپالکی های آنها تشکیل می دهند، نه توسط رژیمی که خود سر دسته قاچاقچیان مواد مخدر است، بلکه توسط دادگاههای مردمی پس از سرنگونی رژیم، با هیئت منصفه و قضاتی که مستقیماً از طرف خود مردم انتخاب می شوند. چنین دادگاههایی باید امتداد همه شبکه های قاچاق را که به حکومت اسلامی منتهی می شود تا به آخر دنبال کند و عوامل آنرا محاکمه و مجازات کند. چنین دادگاهی باید قبل از همه، کل سیستم و سران جنایتکار حکومت اسلامی را به محاکمه بکشاند.

در پایان دوست دارم بگویم که آنچه تا اینجا گفته شد تنها بخش کوچکی از اثرات مخرب مصرف این مخدر ناشناخته (علی الخصوص در ایران) میباشد و این مقوله نیازمند بحث مفصل تری مخصوصاً در قسمت درمان می باشد که در فرصت های آتی به آن خواهیم پرداخت.

به نقل از به پیش، نشریه اتحاد سوسیالیستی کارگری، شماره ۹۰، نهم شهریور ۱۳۹۵، ۳۰ اوت ۲۰۱۶

